

فارسی، هشتم متوسط اول

درس چهاردهم

یاد حسین (ع)

شد چنان از تف دل کام مخورتنه که ردیف شش آمده یک مرتبه

معنی: از شدت گرمای دل چنان دهان شاعر تشنه شد که تمام ردیف شعرش کلمه تشنه شد.

تف: گرما / کام: دهان / سخنور: شاعر / تکرار: تشنه / مراعات نظیر: کام و دل

خنگ کریدم از دود دل دیده، دوات خامه با سوزم کرده دفترتنه

معنی: از شدت اندوه دوات خشک شد، قلم به جای جوهر با اشک و آه خود، تشنگی را نوشت.

دیده: چشم / خامه: قلم / رقم کرد: نوشت / دود: استعاره از غم و غصه / مراعات نظیر: خامه، دوات، دفتر / واج آرای: (د) / خامه با سوز قلم کرد: تشخیص

آه و افسوس از آن روز که دشت بلا بود آن خسرو بی لشکر و پادشاه

معنی: افسوس از آن روز که در کربلا، آن پادشاه بدون لشکر و یاور تشنه بود.

خسرو: پادشاه / دشت بلا: تشبیه / خسرو: منظور امام حسین / تلمیح به واقعه عاشورا

باب خنگ دل سوخته دیده تر غرق بحر بلا بود آن برتنه

معنی: امام حسین با لبی خشکیده و چشمانی تر در آن بیابان دچار مصیبت های زیادی شده بود.

بحر: دریا / بر: خشکی / غرقه: غرق شده / مراعات نظیر: لب، دیده، دل / جناس ناقص اختلافی: در، تر، بر / بحر بلا: اضافه تشبیهی، بلا مانند بلایی است / دل سوختن: کنایه از رنج و ناراحتی داشتن / تشنه: منظور امام حسین

همچو ماهی که قند ز آب برون، آل نبی می تیدی دلشان، سوخته در تنه

معنی: اهل بیت مانند ماهی که از آب بیرون افتاده باشد، دل سوخته آن ها از شدت تشنگی در سینه می تپید.

آل نبی: خاندان پیامبر / تپیدن: تکان خوردن / احمد: یکی از نام های پیامبر / بر: سینه، پهلوی / تشبیه: آل نبی مانند ماهی از آب بیرون افتاده بودند. / مراعات نظیر: آب، ماهی / تلمیح به داستان تشنگی اهل بیت در صحرای کربلا

آل احمد هر عشان ز بزرگ و کوچک نسل حیدر چه از اکبر و اصغر تر

معنی: خاندان حضرت محمد و فرزندان علی از بزرگ تا کوچک همه تشنه لب بودند.

عطشان: تشنگی / حیدر: حمله برنده، لقب امام علی / اکبر: بزرگتر / اصغر: کوچکتر / ترادف: تشنه، عطشان
بزرگ و کوچک: همه / ایهام اکبر: 1: بزرگ، 2: فرزند امام حسین / ایهام اصغر: 1: کوچک، 2: فرزند امام حسین

تشنه لب کشته شود لب شط از چنگاه آنکه سیراب کند لب کوثر تر

معنی: آن کسی که بر ساحل چشمه کوثر همه تشنگان را سیراب می کند به کدامین گناه باید در کنار رود فرات در حالی که تشنه است کشته شود.

شط: رود / کوثر: نام چشمه ای در بهشت / تشنه لب: منظور امام حسین / تضاد: تشنه و سیراب / تکرار: لب / واج آرایبی (ش)

برو عباس جوان، ره چو سوی آب فرات ناله بریاد حسین تا صف محشر تر

معنی: حضرت عباس که جوانمرد بود وقتی به آب فرات رسید به یاد حسین و یارانش که همگی تشنه بودند آب ننوشید و تا روز قیامت تشنه ماند.

تلمیح به داستان حضرت عباس در روز عاشورا / محشر: قیامت

گشت از گلک فدایی خودش دود بلند بروق کرد در قم، بس که کدر تر

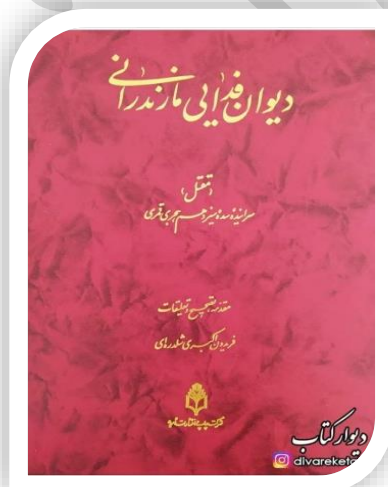
معنی: فدایی از بس بر روی دفتر واژه تشنه را نوشت از قلم او مانند دلش آه و ناله بلند شد .

کلک : قلم / ورق : کاغذ ، برگه / رقم : نوشتن / مکرر : پی در پی / تشبیه : قلم به دل تشبیه شده است. / از دل دود بلند شدن : کنایه از غم و ناراحتی زیاد / مراعات نظیر : کلک و ورق / تخلص : فدایی / دود : منظور آه و ناله / کلک : منظور شعر شاعر

تلمیح ادبیات:

محمود فدایی مازندرانی: از شاعران و مرثیه سرایان قرن سیزدهم هجری قاجار است. بخش تحت دیوان شعرا (مقتل منظوم) در قالب

ترکیب بند سروده شده است. سروده های ابا عنوان «سوگنامه مازندرانی» یا «مقتل منظوم فدایی» به چاپ رسیده است.



قافیه: کلماتی که در پایان مصراع های آیند و در حروفی با هم مشترک هستند و هم وزن و هماهنگ هستند.

ردیف: کلماتی که بعد از قافیه می آیند و عیناً تکرار می شوند. وجود ردیف در شعر اختیاری است. شعری که ردیف داشته باشد «**مردف**» نامیده می شود.

به ملازمان سلطان که رساند این **دعایا** / که به شکر پادشاهی ز نظر مرمان **کدرا**

آب حیات عشق را در گن **ماروانه کن** / آینه صبح را ترجمه **شبان کن**

نکته: گاهی اوقات واژه های قافیه لفظ و نوشتار یکسان دارند اما معنایی متفاوت دارند. در این حالت جناس تام یا همسان داریم و این دو کلمه ردیف نیستند.

زیرا برای ردیف باید (لفظ، نوشتار و معنا) یکسان باشد.

ز هر ناهیت کاروانها **روان** / به دیدار آن صورت بی **روان**
قافیه با جناس تام: روان: **رونده** / روان: **روح و جان**

هر کس که نهد پای بر آن خاک **سر کو** / ذکرش همه این است که کم گشته **دلم کو**
قافیه با جناس تام: کو: **کوچه** / کو: **کجاست**



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد